

خاطرات نوروزی یک مسئول

دوشنبه، ۲۸ اسفند | تعطیلی دابل

امروز آخرین روز کاری بود. واقعا خسته شدم از بس کار کردم در این یک سال گذشته. شش ماه که مأموریت بودم. از شش ماه دیگر سال هم سه ماهش مرخصی استعلاجی رفتم. باید با... [به علت حفظ حریم شخصی و جلوگیری از سوءظن به یک خدمتکار خدوم مملکت، اسم سانسور شده است] صحبت کنم که امسال حتما یک روز تعطیلی دیگر برای هفته تصویب شود.

یکشنبه، ۵ فروردین |
موتور و تست منقل

سوسن خانم گفت که باید برای چهره جدید د خترم جشن بگیریم و کادو بدهیم. گفتم خودش برود هرچه صلاح می داند بخرد. من کار داشتم. با مهندس به باغش رفتیم. می خواست منقل باریکیوی جدیدش را تست کند. انصافا کارش خوب بود. اثرش تا شب ماندگار بود. عیال هم یک موتور برقی برای آرشیلاجان خرید. گفتم کاش صبر می کرد تا ورزش که کمتر شد بخرد که بتواند سوار آن بشود. قرار شد فعلا در روف گاردن پنت هاوسش موتور سواری کند تا بعد.

سه شنبه، ۲۹ اسفند |
سفر خارجه

سوسن خانم [همسر نویسنده] گفت که برای تعطیلات عید باید به مسافرت برویم. خودم هم موافق بودم. ولی آرشیلا [دختر نویسنده] گفت که وقت عمل دارد و نمی تواند همراه ما بیاید. امیرطاها هم که بعد از عید باید به انگلستان برود برای امتحان پذیرش کالج. تصمیم بر این شد که امسال عید مسافرت خارجه نرویم. همین تا کیش و نمک آبرود کافی است. برای تمدید گزین کارت هم تابستان خواهیم رفت به امید خدا.



صفحه ۲۸
۲۵ اسفند ۱۴۰۳
شماره ۱۳۳

چهارشنبه، اول فروردین | حل مشکل سبب زمینی

مهندس زنگ زد که سبب زمینی های وارداتی، توزرد از کار درآمده اند و ممکن است استاندارد نگیرند. یک سر رفتم پیش دکتر و موضوع را تعریف کردم. گفت به مهندس می زند و ترتیب کار را می دهد. عصر استاد خبر داد که قضیه حل شده است. توی تعطیلات هم دست از سر آدم بر نمی دارند.

دوشنبه، ۶ فروردین |
پورشه و آیفون

امیرطاها جان حسودی کرد به موتور خواهرش. حق هم دارد پسرم فرستادمش برود یک ماشین برای خودش بخرد که از دلش دربیاید. ناقلا نامردی نکرد و یک پورشه ماگان خرید. مطمئن بودم که باز دخترم هم حساس خواهد شد. گفتم سه تا آیفون ۱۶ در سه رنگ هم برای او بخرند که حسودی نکند.

شنبه، ۴ فروردین | لیفت و ایمپلنت

این چند روز درگیر عمل جراحی آرشیلاجان بودیم. عمل های خیلی سختی بود. بینی اش را سومین بار عمل کرد تا به اندازه دلخواهش برسد. لیفت شقیقه هم داشت که آن هم با موفقیت انجام شد. دوسه مورد ایمپلنت معده و لیپوی غبغب و میکرو بلید پینگ اثنی عشر هم داشت که به خیر گذشت. قرار شد برای عمل پیکرتراشی هم بعد از تعطیلات تصمیم بگیرد. قربان دخترم بروم که یک تکه ماه است.

